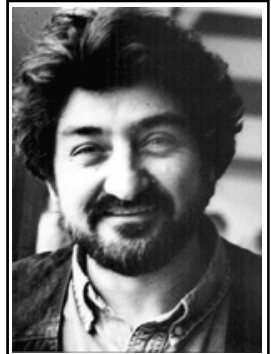


## با تعدادی از کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت هفته منصور حکمت

در صفحات ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن اختیار  
به انسان است.

منصور حکمت

## نشست شانزدهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

صفحه ۲

### پیامها و گزارشات مربوط به درگذشت عزیزه نودینیان



صفحه ۶

### مراسم گرامیداشت محمد حسینی

صفحه ۴

در بوکان

### حزب دمکرات کردستان، زائده تبلیغاتی دولت آمریکا

ضد انسانی که ماهیت سردمداران و  
معماران نظم خونین جهانی را بخوبی  
نشان میدهد به افتضاحی دیگر برای  
حکومت‌های بوش و بلر تبدیل شد.

در حالیکه همه مردم در سراسر جهان  
به این شکنجه کردن و تحقیر  
زندانیان معترض بودند احزاب  
ناسیونالیست کرد عکس العمل  
دیگری را از خود نشان دادند. اینها  
درست مانند دفاع شان از حمله  
آمریکا به عراق یکبار دیگر در تقابل  
با اعتراض بشریت متمدن و معترض  
قرار گرفته و به زائده سیاست های  
تبلیغاتی آمریکا در این مورد نیز  
تبدیل شدند. برای اینکه دولت بوش  
را از این جنایت آشکار تبرئه کنند،  
با هراس و دلهره از به دنبال توجیبه  
بودند تا مبادا بر مشتق درجه صدم  
صفحه ۲



صالح سرداری

آشکار شدن گوشه های کوچکی از  
شکنجه کردن زندانیان عراقی توسط  
نظامیان آمریکا که موجی از  
اعتراض مردم و احزاب و جریانات  
سیاسی را برانگیخت، به حق مورد  
نفرت و انزجار همه مردم در سراسر  
جهان قرار گرفت. این اعمال شنیع

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

فاکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## نشست شانزدهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بر گزار شد

در روزهای نهم و دهم خرداد ۱۳۸۳- (۲۹ و ۳۰ ماه مه ۲۰۰۴) نشست شانزدهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری با حضور اکثریت اعضای کمیته کردستان و کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب برگزار شد. نشست شانزدهم موضوعات زیر را مورد بحث و بررسی و تصمیم گیری قرار داد:

- ۱- گزارش
- ۲- برنامه عمل تشکیلات کردستان
- ۳- ایجاد کمیته شهرهای کردستان
- ۴- جمع بندی از اول ماه مه و کمپین آزاد شدن کارگران سقز
- ۵- نقشه فعالیت های نظامی دوره آینده
- ۷- قرار و قطعنامه پیشنهادی
- ۸- انتخابات حاضرین در نشست شانزدهم کمیته کردستان، در فضای زنده و فعال مباحث فوق را مورد

بحث و تبادل نظر قرار دادند و نتیجه گیری های لازم را به عمل آوردند. از میان اسناد ارائه شده کلیت سند "برنامه عمل تشکیلات کردستان، و سند موازین کار "کمیته های شهری" به تصویب رسید. تدقیق نهایی به دبیر و هیئت اجرایی کمیته کردستان واگذار شد. علاوه بر این اسناد، نشست شانزدهم قرارهایی در خصوص سبک کار هیئت اجرایی و اقدام فوری برای تامین مالی فعالیت های دوره آینده به تصویب رساند. در بخش پایانی نشست، به اتفاق آرای حاضرین، رحمان حسین زاده به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان به عنوان خزانه دار و

هیئت اجرایی ۲۰ نفره منتخب نشست قبلی ابقاء شدند. هیئت اجرایی کمیته کردستان عبارتند از: ۱- مریم افراسیاب پور ۲- مجید حسینی ۳- خالد حاج محمدی ۴- رحمان حسین زاده ۵- عبدالله دارابی ۶- سلام زیجی ۷- صالح سرداری ۸- فاتح شیخ ۹- عبدالله شریفی ۱۰- ایرج فرزاد ۱۱- محمد فتاحی ۱۲- محمد فضلی ۱۳- گلاویژ قادرنژاد ۱۴- حسن قادری ۱۵- یدی کریمی ۱۶- حسین مرادبیگی ۱۷- مظفر محمدی ۱۸- اسد نودینیان ۱۹- داریوش نیکنام ۲۰- اسماعیل یسی. نشست

شانزدهم کمیته کردستان طرحها و سیاستهای بسیار روشن و پراتیکی را در دستور فعالیت دوره آینده تشکیلات کردستان قرار داد. جوانب مختلف این مباحث و طرحهای مصوب در نشریه و تلویزیون ایسکرا، رادیو و دیگر ابزارهای تبلیغی حزب کمونیست کارگری توضیح داده خواهد شد. در پرتو تصمیمات نشست شانزدهم، دوره آینده میتواند دوره پرتحرک و تحول بخش فعالیت های حزب در کردستان باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۳ خرداد ۱۳۸۳

## حزب دمکرات کردستان، زانده تبلیغاتی

(ادامه از صفحه اول)

سیاست "دنیای دمکراسی" آقایان بوش و بلر بعنوان حامیان ناسیونالیسم کرد، کوچکترین خللی وارد شود. احزاب ناسیونالیست کرد هم در جستجوی قربانی برای نجات سیاست تعرض برای ویران سازی عراق و مثله کردن مدنیت جامعه عراق برآمد و در این رابطه علیرغم اعتراف صریح رامسفیلد دایر بر رهبری و دستور اجرایی آن شکنجه ها، با محکوم کردن چند نفر نظامی به کمپ دفاع از سیاست بوش و بلر پیوستند. جلال طالبانی از اینکه همه احزاب و جریانانات مترقی و آزادیخواه این عمل شنیع ضد انسانی را تقبیح کردند و آن را از نتایج عواقب جنگ آمریکا دانسته برآشته شده و اظهار داشت که چرا اینقدر این مسئله را بزرگ میکنید. شکنجه کردن و تحقیر زندانیان را در زمان حکومت صدام حسین را یادآور شد. انگار میتوان هر روز مردم عراق را کشتار کرد، شیرازه مدنی آن جامعه را زیر و رو کرد، زندانی و اسیر جنگی را هتک حرمت کرد و شنیع ترین رفتار و شکنجه را اعمال کرد و هر وقت اعتراضی شد، حضرات جنایات

صدام حسین را یادآوری کنند. نمی خواهند بفهمند که جهانیان بیش از يك سال است فجع ترین جنایات ارتشهای آمریکا، انگلیس را بر صفحه تلویزیونهای خود میبینند. حزب دمکرات کردستان ایران در نشریه کردستان شماره ۳۸۹ بتاريخ ۲۰ مه به دفاع از دولت آمریکا پرداخت و همه تقصیر را به گردن تعدادی از نظامیان آمریکایی انداخت بطوریکه غیر از نزدیکان بوش در آمریکا کسان دیگری اینچنین نوکر منشانه از دولت آمریکا دفاع نکردند. این حزب در نشریه اش چنین نوشته است: "موضع جدی و روشن آمریکا و تقاضای بخشش و عذرخواهی مقامات بلند پایه آمریکا گرچه در مورد شکنجه کردن و رفتار ناپسند با زندانیان عراقی از طرف تعدادی از نظامیان آمریکایی هرچند چیزی را از ناپسند بودن این عمل کم نمیکند اما می تواند از میزان نفرت و بیزاری عمومی بکاهد و نشان دهنده شکنجه کردن بخشی از سیاست دولت آمریکا

تا چه اندازه در تقابل با خواست ها و تمایلات مردم قرار دارد. البته در پیش گرفتن این سیاست از طرف حزب دمکرات کردستان و باقی جریانانات ناسیونالیستی در منطقه امری کاملاً عادی و ناشی از ماهیت اینهاست. جریانانات ناسیونالیست در منطقه که مدام برای سهم شدن در قدرت به بالا چشم دوخته اند، برای رسیدن به این هدف از اتحاد هیچ سیاست غیر انسانی تردیدی به خود راه نمی دهند. مستقل از سیاست شکنجه و اعدام اسرای جنگی که بوفور در تاریخ "مبارزات" احزاب ناسیونالیست کرد در ایران و عراق ثبت شده است، این توجیهات ساده لوحانه و رفتار موژیکی حزب دمکرات با زعما و روسای جدید در پنتاگون و سیا دو هدف اساسی را دنبال می کند. این حزب با این موضعگیری تلاش میکند که تاخیر سال گذشته خود در دفاع از حمله آمریکا را به عراق جبران کند، میخواهد از قافله کرتش و سرسپردگی به آمریکا عقب نیفتد و خود را بهای احزاب کردی در کردستان عراق برساند. این بخشی از رقابت و چشم و هم چشمی احزاب ناسیونالیست و جریانانات قوم پرست در منطقه برای خدمت به آمریکا است. حزب دمکرات به

حضور آمریکا در عراق امید بسته است. سال گذشته بعد از اشغال عراق توسط آمریکا پلنوم فوق العاده گرفتند و نوشتند این تنها مردم کردستان عراق نیستند که تحت ستم قرار دارند بلکه در ایران نیز بر کردها ظلم رفته و از آمریکا خواست که مردم کردستان ایران را نیز نجات دهد! این یعنی دعوت از آمریکا برای حمله نظامی به ایران. آیا پس از کارنامه خونین سیاست "تغییر رژیم" و ارمغان "آزادی" که در لت و پار کردن هر روزه مردم شاهد آن هستیم، حزب دمکرات میتواند و شهامت دارد یکبار دیگر مصوبه پلنوم خود را برای مردم ایران بازتکرار کند؟ اکنون که آمریکا در باتلاق عراق گیر کرده و هر روز سربازان آمریکایی در گوشه و کنار عراق کشته می شوند، بر اثر فشار افکار عمومی جان متمدن و اعتراضات مردم آمریکا و انگلیس در صددند هرچه زودتر راهی برای برون رفت پیدا کنند. این وضعیت باعث شده که در میان مقامات و دولتمردان آمریکا و انگلیس شك و تردید نسبت به درستی این جنگ پیدا شود. وضعیت کنونی دولت آمریکا در عراق باعث می شود منبعد با احتیاط در مورد ادامه "تغییر رژیم" در مورد کشور دیگری لاقتار کنند. و همین امید حزابی

نظیر حزب دمکرات کردستان ایران که به آمریکا دل بسته بودند، را بباد می دهد بهمین خاطر تلاش می کنند که آمریکا را پاك و منزله جلوه دهند و بیشتر از دولتمردان آمریکایی برای بوش و بلر دل بسوزانند. اما اعتراض مردم در گوشه و کنار جهان به سیاست های دست بر ماشه و قلدردی نظامی روز به روز گسترده تر می شود. جهان در مقابل قلدردی و قدرقدرتی آمریکا می ایستد. جریانانات ناسیونالیست و بی ربط به مردم ممکن است در سایه حضور نظامی و در حاشیه نابودی کل ساختار اجتماعی و مدنی عراق موقتا خوابهای طلایی ببینند، اما واضح است که دفاع از جنایت و کشتار که دیگر برای هر انسان منصفی در سراسر جهان امری آشناست، نفرت و بیزاری مردم از ناسیونالیسم و شیوه های به قدرت خزیدن احزاب ناسیونالیست را تولید میکند. کارگران و آزادیخواهان و همه کسانی که به آزادی و انسانیت می اندیشند، باید حزابی را که به زانده نظم نوین بوش و بلر تبدیل شده اند طرد و افشا کنند. ناسیونالیسم کرد به امر مبارزه برای رفع ستم ملی کاملاً بی ربط است.

اول ژون ۲۰۰۴

## اطلاعیه شماره ۵۴ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران استقبال از هفته منصور حکمت

روز جمعه هشتم خرداد جمعیت زیادی از مردم شهرهای تهران، سنندج، کامیاران و کرمانشاه به تفریحگاه "عه والان" در مسیر جاده کامیاران سنندج روی آوردند. از طرف حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت هفته منصور حکمت تراکت و اعلامیه های وسیعی در میان مردم پخش شد. همراه با مضامین این اوراق که به معرفی و نقل قولهایی از منصور حکمت اشاره داشتند، این شعارها نیز به چشم میخورد: زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد منصور حکمت، زنده باد لیبر حزب حمید تقوایی، زنده باد کوروش مدرسی و زنده باد رحمان حسین زاده. این اقدام مورد استقبال وسیع مردم حاضر در تفریحگاه قرار گرفت و موجب گردید تا مردم در محافل و اجتماعات خود در مورد جایگاه و شخصیت منصور حکمت به بحث و اظهار نظر بپردازند. به این ترتیب مردم و دستداران حزب کمونیست کارگری ایران به استقبال هفته منصور حکمت میروند که از تاریخ ۱۶ تا ۲۳ خرداد، (۵ تا ۱۲ ژوئن) اعلام گردیده است. کمیته کردستان مردم آزادخواه و علاقمندان و دستداران حزب و منصور حکمت را فرا میخواند تا هفته منصور حکمت را با ابتکارات مختلف گرمای بدارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ خرداد ۸۳ (۲۸ مه ۲۰۰۴)

## در مراسم هفته منصور حکمت شرکت کنید

در این هفته در دنیای منصور حکمت، یک دنیای بهتر، دنیای ممنوعیت استثمار و دنیای لغو بردگی مزدی، دنیای سوسیالیسم و بنیان گذاشتن جامعه ای فارغ از طبقات و استثمار، دنیای برکنندن دولت و امحا دولت و دنیای انسانهای آزاد و برابر، گشتی برنیم و عزممان را در مبارزه برای ایجاد جامعه ای شایسته انسان آزاد جزم کنیم

هفته منصور حکمت  
۵ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴

در این هفته برنامه های متعدد و متنوعی در معرفی منصور حکمت، در فرودهای او به مارکسیسم، در کشورهای مختلف برگزار میشود. حزب کمونیست کارگری ایران شما را به شرکت در این برنامه ها دعوت میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران



اسماعیل ویسی از طرف ایسکرا در رابطه با هفته منصور حکمت سوالاتی را با جمعی از کادرهای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در میان گذاشته است که در این شماره ایسکرا، پاسخهای غفار غلام ویسی، مظفر محمدی، رحمان حسین زاده، فهیمه قطبی و محمد محمدی را منتشر میکنیم

در شماره های آینده ایسکرا پاسخ دیگر رفقا را انتشار خواهیم داد  
ایسکرا

### با غفار غلام ویسی

#### اولین ملاقات من با منصور حکمت

من اولین بار افتخار آشنایی با ژوبین عزیز را در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) داشتم. ایشان جهت ارتباط با کومه له به کردستان آمده بود. آزمون مرقه های تحریریه کومه له در اطراف بوکان و در روستای آشیکلان (باغ ملا) مستقر بود من چهره فکور و خیلی جوان ایشان را برای اولین بار در آنجا دیدم. از یکی از رهبران کومه له پرسیدم مهمان شما کیست او گفت رفیق نادر از اتحاد مبارزان کمونیست.

من خاطره های زیادی از منصور حکمت دارم که از میان آنها دو خاطره را بیان میکنم: من در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴) بعنوان مسئول سیاسی پل شهیدان زاوورد جهت حفاظت از مقرهای مرکزی حزب کمونیست ایران به اردوگاه "مالومه" در کردستان عراق اعزام شده بودیم، زمستان سال ۱۳۶۳ رفیق منصور از اروپا برگشته بود من همراه یک واحد کوچک جهت گشت زنی به اطراف مقر مرکزی رفتیم. نادر مشغول لباس شستن بود جمعی از رهبری حزب کمونیست در نزد ایشان بودند من به او گفتم لباسهای را بدهید من بشورم ایشان در جواب گفت خودم میشورم من دوباره اصرار کردم او گفت ما با هم برابریم و دلیلی نمیبینم که من کار شخصی ام را به شما سپارم، من به او گفتم شما کار زیاد دارید او به من گفت مگر شما بیکارید؟ من گفتم شما وظایف سنگینی را بعهده دارید ایشان گفتند اگر تو بیکاری جای انتقاد است همچنین ادامه داد

که شما هم وظایف سنگینی بعهده دارید که باید به آنها بپردازید. بهر حال من موفق نشدم او را قانع کنم. خاطره ای که خیلی تاثیر عمیق سیاسی بر من گذاشت این بود که در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) من و چند رفیق دیگر در رابطه با فعالیت دوره ای ناحیه سنندج انتقاداتی داشتیم آنرا مکتوب کرده و در اختیار تشکیلات گذاشتیم. منصور جهت شرکت در گنگره ششم کومه له به کردستان برگشته بود نوشته ما را دیده بود ایشان یک یادداشت کوتاه برای من با این مضمون نوشته بود شنیده ام قلمزن شده اید، خوشحال شدم دوست دارم نظراتت را از نزدیک بشنوم. من را به گنگره سوم حزب کمونیست ایران که در آن زمان در اروپا برگزار میشد دعوت کرد. این شیوه برخورد منصور حکمت به انسانها بود برای آنها ارزش قائل بود. وقتی مشابه همان انتقادات را با شخص دیگری در ناحیه سنندج از یکی از رهبری آنوقت کومه له که به آنجا آمده بود، مطرح کردم او در پاسخ گفت: مامو غفار من تو را خورد کرده و می پی شکنم. همین شخص بعدا سر از رهبری سازمان زحمتکشان درآورد و بنیان حزب نفرت از منصور حکمت را گذاشتند. منصور حکمت عمیق ترین تاثیر سیاسی را در زندگی من داشت، من همانند خیلی از انسانهای مبارز که وارد مبارزه شده بودند فقط بصورت صوری با مارکسیسم آشنا بودم من مارکسیسم را از منصور حکمت آموختم، معنای واقعی انسانیت و حرمت انسان و حریم فردیت انسانها را، معنای آزادی، برابری، حکومت کارگری، ریشه ستمکشی زن، حقوق

زندگی جامعه سیاسی و شخصی ام ام بوده است. زبان و قلم من قاصرتر از آن است که بتواند بطور واقعی جایگاه این انسان بزرگ، این مارکس معاصر را بیان کند. باید کوشید منصور حکمت را به جامعه بشری شناسانند.

زنده منصور حکمت  
زنده حزب و جنبش  
منصور حکمت  
زنده باد آزادی برابری  
حکومت کارگری

۳۱ ژوئن ۲۰۰۴

## با محمد محمدی شما یکی از فعالین کارگری و عضو سندیکای خبازان شهر سقز هستی، از چه طریقی با آثار منصور حکمت آشنا شدی؟

**محمد محمدی** قبل از آشنائی با منصور حکمت اعتقاد داشتم که کمونیست هستم و به آن معتقد بودم اعتقاد داشتم تنها کمونیسم است که میتواند بشریت را از نابرابریها نجات دهد. عضو رسمی کومه له بودم و بیش از توانم برای پیش برد اهداف آن کوشش نمودم و فعالیتهای مختلفی را انجام دادم که باز گو کردن آنها در این جا لزومی ندارد. تا اینکه با جمعی از اعضای سندیکای کارگران خبازسقز در سال ۷۸ که من هم یکی از آنها بودم

دستگیر شدیم، محمود صالحی در پاییز همان سال متأسفانه دوباره بدون اعتراض به حکم و پذیرفتن آن به زندان برگشت. در تمام آن مدت کومه له به دستگیری ما کارگران اعتراضی را سازماندهی نکرد صدای ما کارگران را به جای نرساند. تا اینکه در اعتراض به دستگیری محمود و در دفاع از سندیکای کارگران خباز حزب کمونیست کارگری کمپین بین المللی و گسترده ای را سازمان داد و من هم فقط بخاطر رساندن صدای کارگران یکی از فعالین این کمپین شدم نه چیزی دیگر چون از پیوستن و هواداری از جریانات سیاسی زده شده بودم، با فشارهای هرروزه جمهوری اسلامی و مقاومت کارگران موقعیت مناسب برای اعتراضات کارگری و مردمی فراهم

شده بود. با جمعی زیادی از کارگران معترض به نظم موجود، ارتباط داشتم. میدانستم کارگران و مردم آماده اعتراض هستند ولی تشکیلاتی که من و دیگران به آن متعلق بودیم اهل سازماندهی اعتراضات نبود، با اعلام کمپین حزب کمونیست کارگری، ما هم جمع آوری تومار اعتراضی و سازماندهی اعتراضات توده ای را شروع کردیم. در این رابطه برای پیش برد اهداف کمپین و دریافت رهنمودهای لازم با چند نفر از رهبران حزب کمونیست کارگری دیداری چند روزه داشتم در این دیدار برای اولین بار یکی از آثار منصور حکمت را با نام تاریخ شکست نخورده گان را خواندم این اثر باعث شد که به عظمت منصور حکمت پی ببرم اطمینان پیدا کردم

منصور حکمت متفکری بزرگ، مارکسیست واقعی و خلاق است و تنها او است که میتواند دوباره مارکسیسم را به خانه های مردم و خیابانها باز گرداند و در سطح جامعه مطرح کند. و تصمیم گرفتم دیگر اثارش را مطالعه کنم. این اولین آشنائی من با آثار منصور حکمت بود

### کدامیک از نوشته های ایشان عمیق ترین تأثیر را در تصمیم گیری سیاسی ات گذاشت؟

**محمد محمدی** در همان دیدار با رفقای حزب کمونیست کارگری موفق به مطالعه يك دنیای بهتر، بر نامه حزب کمونیست کارگری، اثر منصور حکمت شدم. راستش با خواندن دنیای بهتر عرصه و دریچه ای دیگری برای مبارزه برویم باز شد، دنیای بهتر تحولات عجیب و غیرقابل تصویری در افکارم بوجود آورد، اعتقادم به پیروزی کمونیسم صدچندان شد، ولی من واقعا جرات بیان این را نداشتم. روابط عاطفی، فعالیتهای شبانه روزی، ده ها بار روبرو شدن با خطرات، دیدارهای متعدد، جذب افرادی که هنوز روابط سیاسی و صمیمی خود را با آنان حفظ کرده بودم، تمام این مسائل مانع بودند برای ارتباط مجدد و پیوستنم به تشکیلات دیگر. ولی يك دنیای بهتر، نه تنها افکارم را متحول کرد بلکه جمعی زیادی از رفقای قبلی را هم با من همراه کرد، دنیای بهتر باعث شد برای گذشته خود افسوس بخوریم که چرا زود تر با افکار منصور حکمت آشنا نشده ایم.

**انعکاس خط و جهت  
منصور حکمت در شوه  
و سبک و محیط  
فعالیت چگونه بود؟**  
**محمد محمدی:** قبل از

آشنائی با آثار این رهبر بر جسته جنبش کمونیستی، شاهد به میدان آمدن هر روزه کارگران، جوانان، زنان و مردم آزادیخواه بودم، شاهد انزوای مذهب، نفرت و تنفر مردم از مذهب، ناسیونالیسم و خرافه های عقب مانده بودم، شاهد پیشروی جنبش آزادیخواهی مردم و عقب نشینی مداوم رژیم بودم ولی هنوز کارگران را ناگاه و انقلاب را زود هنگام میدانستم. تبلیغ علیه مذهب و خرافه های عقب مانده به بهانه اینکه نبرد ما با سرمایه است نه با خدا، دین و مذهب، از افشای این افیون توده ها و این ابزار جدید ارتجاع علیه بشریت و مدنیت دوری میجویم. تحت تاثیر القانات نادرست، خواسته های مردم را درک نمی کردم و یا نمی خواستم درک کنم، عادت کرده بودیم که به باغهای اطراف شهر برویم و یا دور از چشم دیگران و در جمعهای چند نفره خود به امید پیروزی سوسیالیسم، لیوانهای مشروب را بنوشیم. اما با مطالعه آثار منصور حکمت و گوش دادن به سخنرانی هایش در یافتیم که کمونیسم با چند صد نفر محصور در خود و برای خود و برگزاری جلسات در زیر زمین خانه و پستوهای دور از چشم مردم به پیروزی نخواهد رسید، بلکه تنها با ترویج و تبلیغ و سازماندهی حول نظرات منصور حکمت و تقویت حزبی که او رهبریش را بعده دارد طبقه کارگر میتواند به قدرت برسد. دریافتیم کمونیسمی که منصور حکمت تبلیغ می کند کمونیسمی است واقعی و نجات دهنده و باید برای تبلیغ و ترویجش و تبدی آن به پرچه مبارزه میلیونها نفر از هیچ تلاشی فرو گذار نکرد.

## مراسم بزرگداشت سید محمد حسینی در بوکان!

تمام جان باختگان راه آزادی و برابری شروع شد، سکوت را برهان دیوانگرد یکی از فعالین کارگری و از کارگران دستگیر شده در اول مه سفر با خواندن مطلبی در رابطه با کار و تلاش سید محمد برای رهایی و خوشبختی انسانها شکست. سپس آرش حسینی فرزند سید محمد مطلبی را خواند که در آن به معرفی افکار انسانی و مبارزات پدر خود اشاره کرد و هم چنین از جمعیت حاضر به خاطر شرکت و حضورشان در مراسم تشکر و قدردانی کرد.

مراسم بیشتر از یک ساعت به طول انجامید. علیرغم وجود جو خفقان

به دعوت خانواده و دوستان سید محمد حسینی روز دوشنبه ۱۱ خرداد در گورستان بوکان، محل خاکسپاری وی مراسم بزرگداشت این انسان مبارز راه رهایی انسانها برگزار شد. مراسم با شرکت صدها نفر از زنان و جوانان و مردم آزادیخواه از شهر بوکان و روستاهای حومه و با حضور تعداد قابل توجهی از انسانهای علاقمند، از سقز، مهاباد، نقده، سنندج، کامیاران، اشونیه، که در این مراسم حضور به هم رسانده بودند، برگزار شد.

مراسم با يك دقیقه سکوت به یاد این انسان آزادیخواه و کمونیست و

حاکم و حاکمیت جمهوری اسلامی، این مراسم به دور از شیوههای سنتی و مذهبی تحمیل شده بر جامعه، به نحوی که با افکار و عقاید آزادیخواهانه این رزمنده پیگیر امر آزادی و برابری انطباق داشت، برگزار شد. مراسم با پذیرایی از شرکت کنندگان به اتمام رسید.

برهان دیوانگرد از سخنرانان این مراسم بود.

من نیز به سهم خود و از صمیم قلب از همه شرکت کنندگان در این مراسم قدردانی میکنم و درود میفرستم.

**مهدی حسینی**  
۱۱ خرداد ۱۳۸۳

فرد و تشکیلات، به موقعیت و جایگاه انورسته فرد در حزب و جامعه گشود. احساس این است که منصور حکمت نه فقط در سیاست و مبارزه انقلابی، بلکه در زندگی رفیق و همراه من است. او کمونیسم را و بکار بستن شیوه و روشهای کمونیستی با زندگی را نیز به من

آموخت. منصور حکمت در کنار و همراه با رهبری فعالیت کمونیستی و تحکیم کمونیسم کارگری، عزیزترین عزیزان من در جدال زندگی نیز بود.

**زنده باد منصور حکمت**  
نیمه دوم مه ۲۰۰۴

### با فهیمه قطبی

آنهاهی که او را شخصاً میشناختند و چه آنها که از طریق نوشته و سخنانش با او آشنا شدند، همین احساس من را دارند. منصور حکمت دریچه دیگری برای نگرش به انسان، به مبارزه حزبی، به رابطه

**یک دنیای بهتر، برنامه حزب  
کمونیست کارگری، نوشته منصور  
حکمت را بخوانید**

## با مظر محمدی در هفته منصور حکمت

در سال ۱۳۶۳ شمسی، منصور حکمت "اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" را نوشت که به تصویب کمیته مرکزی کومه‌له رسید و انتشار بیرونی یافت. ضرورت این اعلامیه چه بود؟ به نظر شما انگشت گذاشتن بر وجوه اجتماعی وظایف کمونیست‌ها چه جایگاهی نزد منصور حکمت دارد؟

**مظفر محمدی:** صدور "اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" در سال ۶۳ یعنی ۲۰ سال پیش، از طرف منصور حکمت وجوه و دلایل گوناگونی داشت.

اساسا و قبل از هر چیز، این اعلامیه بر علیه رژیم حاکم بر ایران صادر شد که مانند هر حکومت سرمایه داری دیگر همه ثروت و سامان این مملکت را در اختیار خود گرفته و میلیون‌ها کارگر زحمتکش را به فقر و فلاکت و گرسنگی محکوم کرده است. رژیمی که برای حفظ این موقعیت، یک دیکتاتوری مذهبی اعمال و حتی ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و آزادی مردم را زیر پا نهاده و کهنه پرستانه‌ترین قانون و رسم و سنت

مذهبی و شریعت اسلامی را به فلسفه زندگی مردم تبدیل کرده است. "بیانه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" در اساس، ادعا نام‌های علیه این بیحقوقی و برای اعاده این حقوق به مردم کردستان است. وجه دیگر این اعلامیه، رو به نیرو و جریان‌ات و احزابی داشت که پرچم خودمختاری (اکنون فدرالیسم هم به آن اضافه شده است) را بلند کرده و هیچ هدفی جز شریک شدن در هر حکومت مرکزی که اداره امور کردستان را به آنها بسپارد نداشته و حافظ همه بیحقوقیهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود بوده و آن را دست نخورده نگه میدارند. یک حکومت قومی، بدون هیچ تغییری در زندگی و حقوق مردم و با همان قوانین و سنتها که میلیون‌ها انسان را از نان و رفاه و آزادی و خوشبختی و برابری محروم میکند. "اعلامیه حقوق پایه مردم زحمتکش در کردستان پرچمی است که بدست مردم کردستان داده میشود، پرچمی برای مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و یا هر نیرویی که در هر لباسی و به هر بهانه‌ای خواهند مردم را از آزادی و حقوق انسانیشان محروم کنند.

علاوه بر اینها، این اعلامیه یک جنبه عملی، فوری و روزمره تری هم در آن زمان داشت و آن این بود که اعلامیه روی جنبه اجتماعی وظایف کمونیست‌ها انگشت می‌گذارد و تفاوت ما را با ناسیونالیست‌ها در برخورد به حقوق انسان، مساله رفاه و خوشبختی، آزادی، مذهب، برابری زن و مرد و حتی مسایل جزئی‌تر مانند برخورد به اسرا، محاکمات علنی و... بوضوح نشان میدهد.

در شرایطی که ما درگیر جنگی نابرابر با رژیمی بودیم که با تمام نیرو به کردستان حمله کرده و به زور

نظامی شهرها و مناطق را اشغال میکرد و در حالیکه تمام مساله و مشغله ما سازماندهی مقاومت مسلحانه در برابر این تهاجم وحشیانه بود، درست در چنین اوضاع و احوالی منصور حکمت میاید و میگوید نباید حقوق پایه ای مردم کردستان در میان گرد و غبار جنگی که به ما تحمیل شده است به فراموشی سپرده شود.

این اعلامیه به مردم کردستان می آموزد که مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی در همه اشکال خود از جمله مقاومت مسلحانه اساسا "به این منظور است که نگذاریم حقوق انسانی و حرمت و آزادی مردم پایمال شود.

اعلامیه به خود ما و به همه نیروها و احزاب مسلح که بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکردند و در آن دوره هنوز بعضی از شهر و شهرکها و مناطق وسیع روستایی را تحت کنترل خود داشتند که مناطق آزاد نامیده میشد، میآموزد و میگوید که تفاوت مناطقی که ما در آن حضور داریم و هنوز رژیم آن را اشغال نکرده است با شهرها و مناطق تحت اشغال رژیم باید در به رسمیت شناختن و احترام به حقوق و آزادیهای مردم نشان داده شود، و این تجربه و سنتی بود که ما کمونیست‌ها را از تجربه و سنت ناسیونالیسم کرد جدا میکرد. چرا که تاریخا در سنت احزاب و جریان‌ات قومی، حقوق و آزادی و حرمت انسانی مردم معیار نبوده و خود تا توانسته اند حقوق و آزادی و اراده و تصمیم مردم را نادیده گرفته و حتی زیر پا نهاده اند. تجارب عملکرد احزاب قومی در کردستان ایران، عراق و ترکیه پر از پایمال کردن حقوق و آزادی مردم بوده است.

نگاهی کوتاه به بندهای این اعلامیه هنوز هم نشان میدهد که

۲۰ سال قبل منصور حکمت چگونه الگویی را برای آزادی و رفاه و حرمت انسانی مردم زحمتکش کردستان مد نظر داشته است. اعلامیه می‌خواهد: -مردم کردستان خود سرنوشت سیاسی شان را تعیین کنند. نه دولت و نه هیچ نیروی سیاسی دیگر حق ندارند از بالا سر مردم تصمیم بگیرند و یا چیزی را به زور تحمیل کنند.

-اداره امور کردستان از بالا تا پایین دست خود مردم و از طریق شوراهای خودشان و با دخالت مستقیم خود باشد.

-آزادی بیان و عقیده حق هر کسی است. تفتیش عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است هر مذهبی داشته باشد یا هیچ مذهبی نداشته باشد. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداست. همه آزادیهای سیاسی و فردی و اجتماعی، مطبوعات، آزادی تشکل سیاسی و صنفی و آزادی اعتصاب باید به رسمیت شناخته شود. همه دادگاهها علنی اند و قضات از طرف مردم انتخاب میشوند.

-تامین امنیت شغلی و اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی و بیمه بیکاری برای همه کسانی که مشغول کار یا بیکار هستند.

-برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های خانواده، جامعه و دستمزد برابر.

-بهداشت و دکتر و درمان و آموزش و پرورش رایگان برای همه. -اعلامیه می‌خواهد، هر قانونی بر اساس تبعیض قومی، ملی، مذهبی، جنسی و فرهنگی، محکوم و ملغی است و قوانین اسلامی و شرعی و ارتجاعی جمهوری اسلامی قابل اجرا نیست و باید برچیده شود. -و بالاخره، مردم حق دارند اسلحه داشته و

مسلح شوند، تا بتوانند از حرمت انسانی و آزادی و حقوقشان در مقابل هر تهاجم و زورگویی دفاع کنند.... در خاتمه می‌خواهم اضافه کنم که بعدها منصور حکمت در "دنیای بهتر" که اکنون برنامه حزب کمونیست کارگری ایران است تمام حقوق و آزادی و برابری انسانها را به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مد نظر گرفته است. دنیای بهتر، برنامه و نقشه ای است برای جامعه آزاد و انسانی و برابر. جمع شدن دور این برنامه و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن دنیای بهتر و جامعه آزاد و برابر، بهترین قدردانی و ادای احترام به منصور حکمت است. ادای احترام به شخصیت بزرگ و انساندوستی است که ۲۰ سال قبل و در ببحوجه یک جنگ تحمیلی و نابرابر و در حالیکه خود در پیشاپیش مبارزه و جنبشی برای ایجاد جوامع آزاد و انسانی و برابر برای مردم ایران و جهان قرار داشت و مساله و مشغله دایمیش بود، رفاه، خوشبختی، آزادی و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی مردم زحمتکش کردستان را فراموش نمیکرد و "اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" را بعنوان پرچم مبارزه‌شان برافراشت.

منصور حکمت در این اعلامیه خطاب به مردم محروم و زحمتکش کردستان می‌گوید: "اینها حقوق مسلم، ابتدایی و انکار ناپذیر شماست. آن را بشناسید و در برابر هر تجاوز ارتجاع و ضد انقلاب به آن به دفاع برخیزید. در برابر دشمن، در برابر سرکوبگر، در هر رنگ و لباسی پرچم بیانیه حقوق پایه ای زحمتکش‌شان در کردستان را برافرازید."

\*\*\*

**آثار منصور حکمت را بخوانید، و در جمع و محافل خود باز خوانی کنید • آثار منصور حکمت بنیانهای فکری و اجتماعی و تحزب یافته کمونیسم کارگری است • در سایت منصور حکمت آثار مکتوب، اودئو و ویدئوئی او در دسترس است • آدرس سایت منصور حکمت:**  
www.m-hekmat.com

## جمعیت وسیعی از مردم شهرهای مختلف یاد عزیزه نودینیان را در سندج گرامیداشتند.

پس از پخش خبر درگذشت عزیزه نودینیان، این انسان شریف و مبارز، در روز پنجشنبه ۷ خرداد در شهر سندج مراسم بزرگی برای گرامیداشت یاد این عزیز برپا شد. مراسم با شرکت هزاران نفر از مردم شهر سندج و مریوان و جمعیت قابل توجهی از مردم شهرهای تهران، همدان و سقز با شکوه فراوان برگزار شد.

مردم با شنیدن خبر مرگ عزیزه نودینیان از شهرهای مختلف دسته دسته به سندج و به دیدار خانواده اش آمدند. همراه با یاد عزیزه نودینیان یاد عزیزان جانباخته این خانواده، «نعمت نودینیان» و «عبدالله نودینیان» را نیز

گرامیداشتند. اعلامیه های همدردی وسیعا بر دیوار و حیاط خانه ایشان و تعداد زیادی شاخه ها و تاجهای گل که مردم همراه آورده بودند به همراه احساس همدردی عمیق مردم نسبت به خانواده عزیزه نودینیان، مراسم شایسته این انسان محبوب را به وجود آورده بود. مراسم لبریز از احساس محبت نسبت به کمونیستها بود. شرکت وسیع مردم در این مراسم نشان از محبوبیت این عزیز از دست رفته و احترام به آزادیخواهی و مبارزه جویی ۳۰ ساله ای بود که «عزیزه» و برادران جانباخته وی و شخصیتهای کمونیستی چون نسان و اسد نودینیان و کل خانواده آنها مظهر آن

بوده اند. دبیرخانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن قدردانی از مردم آزادیخواهی که در مراسم عزیزه نودینیان شرکت کردند، بار دیگر به همه اعضای خانواده ایشان و بویژه رفقا اسد و نسان نودینیان تسلیت می گوید. در مرگ نابهنگام عزیزه همدردی عمیق خود را با بازماندگان اعلام میداریم.

### یاد عزیزه نودینیان گرامی باد

دبیرخانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
ژوئن ۲۰۰۴ - ۱۲ خرداد ۱۳۸۳

## سیاس و قدردانی

در طول چند روز گذشته، صدها پیام تسلیت و همدردی بخاطر فوت خواهر عزیزمان عزیزه نودینیان را دریافت کرده ایم.

عزیزه نودینیان خواهر ما بود، اما او دوست و یاور هزاران انسان مبارز و انقلابی است که سالها در برابر ظلم و ستم و نابرابری ایستاده اند. عزیزه عزیز همه بود، دوست صمیمی ما بود. از دست دادن او برای ما ضایعه بزرگی است. پیامهای بسیار صمیمانه و همدردی و تسلیت شما عزیزان، شرکتتان در مراسمهایی که در گرامیداشت او در سندج، در استکهلم و کلن برگزار شده است، و حضورتان در کنار ما، تنها و تنها میتواند ما را تسلی دهد و این غم و اندوه ما را کم کند.

در شهر سندج هزاران نفر از مردم این شهر با ما ابراز همدردی کرده اند، ده ها تاج گل و پیام تسلیت برای خانواده اش ارسال کرده اند، و در مراسم خاکسپاری و عزاداری شرکت کرده اند. در کلن و استکهلم هم با برگزاری مراسم های گرامیداشت خاطره و زندگی عزیزه در کنار ما بودند، صدها

پیام و تماس تلفنی برای ابراز همدردی و تسلیت برای ما انجام شده است. لیبر حزب کمونیست کارگری ایران حمید تقوایی، رئیس دفتر سیاسی حزب کورش مدرسی، رئیس هیئت دبیران حزب اصغر کریمی و دبیر کمیته کردستان رحمان حسین زاده با ارسال پیامهای تسلیت. همدردیشان را با ما و خانواده اش اعلام کرده اند.

و انجمن جمال چراغ ویسی با انتشار پیامی بخاطر درگذشت عزیزه نودینیان با ما ابراز همدردی کرده اند.

بدینوسیله از این همه محبت، از این همه ابراز همدردی از تک تک شما دوستان عزیز در ایران (سندج، تهران، همدان، کرمانشاه و مریوان)، شهرهای اروپا، استرالیا، کانادا و آمریکا صمیمانه تشکر و قدردانی میکنیم. و به پاس محبتهای صمیمانگان دست شما عزیزان را بگرمی میفشاریم.

**اسد نودینیان، نسان نودینیان و پروین معاذی**  
۳۱ مه مه ۲۰۰۴

### رفقای بسیار عزیز نسان و اسد نودینیان

درگذشت عزیزه نودینیان خواهر عزیزتان را از صمیم قلب به شما و سایر اعضای خانواده تان از طرف تمامی اعضا و فعالین حزب تسلیت میگویم. انسانهایی هستند که آدم باید در برابرشان سر تعظیم فرود آورد. عزیزه یکی از آنها بود. عمری را شرافتمندانه کار کرد، زحمت کشید، در برابر زورگویی و ستم و سرکوب و نابرابری با شجاعت ایستاد و مقاومت کرد. در برابر زندان و شکنجه و تهدیدات مختلف سر خم نکرد و در صف انساندوستی و انقلاب و کمونیسم پابرجا ماند و به همین دلیل احترام عمیق همه را بر میانگیخت. حیف شد که در این سن از میان ما رفت. صف انقلاب و کمونیسم و انسانیت یکی از دوستان و همزمان خوب خود را از دست داد. اما یاد عزیزش همیشه در میان ما و در میان مردم مبارز سندج و مریوان گرامی خواهد ماند.

برایتان آرزوی تندرستی و موفقیت میکنم

**اصغر کریمی**

**رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران**

۳۰ مه ۲۰۰۴

### به یاد عزیزه نودینیان

رفقای عزیز نسان و اسد نودینیان  
بستگان و خانواده "عزیزه" نودینیان

مرگ نابهنگام "عزیزه" ناگوار و سخت بود. همچنانکه نوشتید، عزیزه، عزیز همه بود. این را حضور وسیع مردم شهرهای سندج و مریوان و دیگر شهرهای ایران در مراسم یاد او به ما میگوید. این را حضور انسانهای زیادی در مراسمهای شهر استکهلم و کلن در یاد بود عزیزه به ما میگوید. و مهمتر این را مرور زندگی پر از رنج و مبارزه وی، ایستادگیها و مقاومتهای وی در مقابله با رژیمهای سلطنتی و جمهوری اسلامی، پیوند انسانی او با مردم محروم، با آزادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسم و فداکاریها و تحمل سختیهای از دست دادن عزیزانش به ما میگوید. زندگی عزیزه و امثال وی بازتاب ۳۰ سال جنبش و مبارزه آزادیخواهانهاست، که رهایی انسان را هدف خود قرار داده است و عزیزه و "نودینیانها" مظهر این مبارزه اند.

از جانب تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، همدردی عمیق خود را با شما رفقای عزیز و بستگان و بازماندگان عزیزه اعلام میدارم. از مردم شهرهای سندج و مریوان و شهرهای دیگر و همه انسانهایی که یاد عزیزه را گرامی داشتند، صمیمانه قدردانی میکنم.

یاد "عزیزه" عزیز گرامی باد

**رحمان حسین زاده**

عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ خرداد ۱۳۸۳

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید



## با فهیمه قطبی به مناسبت هفته منصور حکمت

### منصور حکمت از نظر شما چگونه انسانی است، او را چگونه توصیف میکنید؟ فهیمه قطبی:

های سیاسی و کار سیاسی دید و معنای دیگری بخشید. در برخورد به کودک، در برخورد به زن، در برخورد به مسائل تشکیلاتی و فعالیت‌های شخصی و فعالیت‌های تشکیلاتی و حزبی به من درس‌هایی داد که واقعا تحولی در من و دیدگاهم نسبت به همه موارد بوجود آورد. باید باز اعتراف کنم که منصور حکمت در شیوه رفتارم با بچه های خود تاثیر عمیقی داشت. من همواره تلاش کرده‌ام که این شیوه نگرش به زندگی و تربیت فرزند، رابطه آنها با پدر و مادر را به فرزندانم منتقل کنم. ایجاد یک رابطه برابر، اعتماد آمیز و طوری که پدر و مادر با فرزندان صریح

باید اقرار کنم که من تا قبل از آشنائی با منصور حکمت نمایانستم مارکس کیست و چگونه انسانی بوده است. منصور حکمت من را با نام مارکس و آثارش آشنا کرد و من را تشویق کرد که مارکس را بخوانم و بشناسم. منصور حکمت در برخورد من به تمام مسائل زندگی و تمام مشغله

و رک و در عین حال برابر باشند، اینک در عین دلسوزی و بیان نگرانی از سرنوشت فرزندان، با شیوه های غیر علمی، سنتی و مرسوم در مناسبات و روابط با فرزندان مرز دقیق کشیده شود، اینکه به فکر ایجاد یک رابطه پایدار و حاوی اعتماد متقابل باشیم، اینکه هیچ جایی نه برای ترس و رعب و نه برای "احترام" و "ادب" غیر واقعی و تشریفاتی و به نظرم ریاکارانه در روابط نباید باقی بماند، اینکه فرزندان احساس کنند که نزد تو و پیش تو احساس امنیت و همتر از همه برابری کنند، اینکه مدام به فکر ارتقا دانش و سواد و تواناییهای خود و آنها باشم، و هر چه از دستم بر میآید برای بالا کشیدنشان دریغ نکنم، و بسیاری نکات آموزنده دیگر، منصور حکمت را وارد بافت و

نسوح فکری و روحی من در زندگی کرد. منصور حکمت برای من به یک معنی یک رفیق برابر در سیاست و مبارزه انقلابی و در همان حال یک استاد زندگی بود. در فعالیت‌های سیاسی، در روشها، چگونگی بررسی مسائل حزبی، چه آنگاه که در تشکیلات علنی فعالیت داشتم و چه آنگاه که به خارج کشور آمدم، منصور حکمت، و حرفها و سخنانش همیشه برایم یک پیام تازه داشته است، همیشه منتظر بودم بی تاب که ببینم نوبت نادر کی میرسد و چه چیز تازه ای دوباره میگوید؟ واقعا فقدان او برای من که یک خواهر و برادرم را از دست داده‌ام، بسیار سنگین تر و شوک آورتر بوده است. اما خوشبختانه من منصور حکمت را همیشه در دسترس دارم، به سایت او میروم و آثار او را بارها و بارها مرور

میکنم، و صدای او را میشنوم و این تا حدی غم سنگین فقدان و غیبت فیزیکی او را برایم سبک میکند.

بگذارید یک نکته را تاکید کنم: همان زمانی که اولین بار منصور حکمت را شخصا نیز ملاقات کردم و شناختم، یعنی حدود بیش از بیست سال پیش، احساس میکردم که او ویژگیهای مخصوص به خود را دارد، به نحو برجسته ای از دیگران متفاوت است و شور و هیجان و تعجیل و انرژی و صراحت توأم با احساس مسئولیت او، مهربانی و برابری طلبی اش او را در جایگاه دیگری قرار داده بود. این را بارها به رفقای نزدیکم میگفتم و همه بدون استثنا بر جایگاه ویژه این انسان بزرگ تاکید داشتند. تصورم این است که تعداد بسیاری چه

در صفحه ۴

### با رحمان حسین زاده

زودرس است و افکار "توده‌ها" را باید رعایت کرد، این جمله ساده و زیبا و عمیق یادم است که گفت "جالب است خمینی و آخوند و ملا با داستان خردجال و ظهور مهدی دارند نیرو بسیج میکنند و اینجا عده‌ای که خود را کمونیست میدانند از گفتن آزادی و برابری و رفاه و سعادت انسانها پرهیز دارند. ما این نوع کمونیسم نیستیم" - حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش را در کردستان مطرح کرد، نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی، بلکه در تقابل با اپوزیسیون راست که مسلح بود و به مردم زور میگفت و حقوقشان را پایمال میکرد. حتی در مقابل نیروی مسلح کومه‌له‌ای که نتوانند به مردم زور بگویند. توقعات و انتظارات مردم را بالا برد. چه جالب بود مردم برمیگشتند و میگفتند با استناد به سند "حقوق پایه‌ای" خودتان حق ندارید زور بگویید. جنبش نظامی: اینجا عرصه و اسطوره‌ای بود با مقدسات خودش. بویژه که عده‌ای جان میباختند و خون داده میشد. میبایست این مقدسات را نقد میکرد و بر خلاف چپ مریخی ضرورت سیاسی آن را هم میدیدی و

جایگاه آن را نزد سازمان کمونیستی تعیین میکردی. در تفکر منصور حکمت هیچگاه مبارزه نظامی، نه شکل عالی و نهایی مبارزه بود، نه قدرت از لوله تفنگ میآمد، و نه موتور کوچک هیچ موتور بزرگی بود و نه هاله‌ای از تقدس به دور آن پیچیده شده بود. در این ظرفیتها عرصه نظامی برای وی جایگاهی نداشت. بلکه به عنوان الزام سیاسی و حتی اجبار سیاسی میبایست آن را به دست میگرفت. رژیم هار و مسلح به مردم در کردستان هجوم نظامی آورده بود. اپوزیسیون ناسیونالیست مسلح به کارگر و مردم و جنبه آزادی زور میگفت، این مردم میبایست مسلح باشند و مقاومت کنند. تازه میبایست به عنوان یک تاکتیک و عرصه پیشبرد مبارزه زیر سیطره جنبش توده‌ای و کارگری و بسیج توده‌ای قرار میگرفت. علاوه بر آن کاردانی او در این عرصه به شاهدی تعدادی از فرماندهان بالای کومه‌له، آزمون کرد که با انقباض این عرصه روبرو شدیم، بن بست ایجاد شده بود. منصور حکمت با درایت نقشه عمل و سیاست روز این عرصه را پی‌ریزی کرد. و باز از اینها مهم‌تر نقطه عزیمت و دید انسانی او در این عرصه در کنگره ۵ کومه‌له خود

را نشان داد که در جواب به تلفات پشت تلفات انسانی گفت "این انسانها گوشت و خون و پوست و استخوانند. اینها به استراحت، آموزش و زندگی احتیاج دارند. اینها قهرمانان و (پولا- فولاد- اشاره به سرود پیشمرگ کومه‌له مثل فولادند) نیستند. به مناطق پشت جبهه منتقلشان کنید. تیم کماندویی و سبک به داخل بفرستید و برگردند و عرصه مسلحانه را شعلهور نگه دارند" یا بعدا که گفت "در خروجی این عرصه را همانند در ورودی آن و مدت زمان مسلح ماندن را تعیین کنید" اینها تحول انسانی ایجاد کرد که همگی خلاف سنت تا آن زمان موجود، سنت بازمانده از ناسیونالیسم بود و عملا نجات بخش جان صدها انسان شد. - این جهت‌گیریها و نقد و راه حل‌ها قدم به قدم جنبش دیگری را نبرد کتان در مقابله با داده‌ها و سنتهای از پیشی موجود ساخت. سروسیمای سیاسی و پراتیکی جنبش متمایز حاضر در صحنه را ترسیم میکرد. کنگره ششم کومه‌له آنجایی بود که جمع بندی و نقد تاریخی و سیاسی او از روند جنبش چپ در کردستان و از کومه‌له به کرسی نشست و سیاستها و پلاتفرمهایی را به تصویب رساند که تعیین تکلیف نهایی با

ناسیونالیسم و هر اثر و عوارض آن بود. در عین حال دینامیسم سیاسی نهفته در این جنبش را به رسمیت شناخت و استراتژی کمونیستی در جنبش کردستان را تدوین کرد. ناسیونالیسم منکوب شده بیش از این نمیتوانست تحمل کند و منتظر فرصت بود. ختم جنگ ایران و عراق آن فرصت را برایشان ایجاد کرد. در مقابل انقباض عرصه نظامی که پیش آمده بود. دو استراتژی در مقابل جنبش چپ و سازمان کومه‌له قرار گرفت - استراتژی سنتا موجود ناسیونالیسم حرکت از الزامات تشکیلات علنی و مسلح و زیستن در شکافهای منطقه‌ای" و استراتژی نوین و کمونیستی متکی به جنبش اعتراض شهری و دیدن وسیعتر جنبش انقلابی در شهر و خود را اسیر نکردن در شکافهای منطقه‌ای دولتها و حفظ استقلال عمل خود. این شکاف چپ و راست را عمیق کرد و امروزه عاقبت‌آهایی که به مسیر زیستن در شکافهای منطقه‌ای افتادند را می‌بینیم. فرصتی برایم باقی نمانده است و باید به اتمام برسانم. همین را اشاره کنم در جنگ اول خلیج و همراه با نظم نوین جهانی و عروج ناسیونالیسم کرد در منطقه دوران جدیدی پیش آمد، ما تحت رهبری

منصور حکمت آن دوران را با درایت طی کردیم، استقلال عمل جنبش خود را حفظ کردیم. مصافهای جدیدی پیش آمد، موقعیت منطقه و خود عراق دستخوش تحول شد. چپ متاثر از منصور حکمت و کمونیسم کارگری در عراق قد علم کرد. همه اینها تصمیم تاریخی دیگری را میطلبد. تصمیم به جدایی از حزب کمونیست ایران و ایجاد حزب کمونیست کارگری ایران و بعدها حزب کمونیست کارگری عراق حاصل مشخص این دوران است. در جریان آن جدایی نسل کمونیست آن جامعه، اکثریت قاطع رهبری، کادرها و فعالین کمونیست جامعه کردستان با منصور حکمت ماندند و خیلی وقتها از بیرون میپرسند، اینجا چطور است، سازمانی را که خود ساخته بودند، رها کردند. من میگویم به خاطر این تاریخچه‌ای که شرح رفت و کمونیسم منصور حکمت. منصور حکمت تنها تئوریسین و ایدئولوگ و رهبری سیاسی ما نبود. او راهنمای دلسوز ما در همه تندبیه‌های این دوران بود. منصور حکمت همه چیز ما بود. او چشم و چراغ ما بوده و هست.

زنده باد منصور حکمت

## با رحمان حسین زاده به مناسبت هفته منصور حکمت

# منصور حکمت چشم و چراغ ما بود

نقش منصور حکمت در تحولات سیاسی کردستان چه بود؟ کدام روشها و سنتها را در برخورد به مسائل اجتماعی و حزبی وارد معادلات سیاسی کرد؟

### رحمان حسین زاده: در این

رابطه میتوان مفصل نوشت. مروری بر تحولات مورد نظر شما، برای پیش کسوتان کمونیست و چپ جامعه کردستان و یا برای من و هم‌نسلهای من که از بیست سالگی با منصور حکمت و افکار و سیاست وی آشنا شدیم یعنی داستان بیش از ۲۰ سال مبارزه فکری، سیاسی، اجتماعی، حزبی و نظامی که منصور حکمت رهبر و الهام بخش تک تک این عرصه‌ها و مقاطع تعیین کننده آن بود. مشکل کار اینجاست، در این فرصت نمیتوان به همه مولفه‌های اساسی آن دوران پرداخت. در جواب سئوا شما، من بخشهایی از سخنرانی سال گذشته خود را تحت عنوان "نقش تحول بخش منصور حکمت در جامعه کردستان" انتخاب کرده‌ام. در مورد نقش تحول بخش منصور حکمت در جامعه کردستان سخن می‌گویم. طبعاً امروزه به نسبت کار بزرگ و عظیمی که منصور حکمت کرد، ایجاد تحول در جامعه کردستان گوشه‌ای و فقط گوشه‌ای از تاثیر گذاری بزرگ وی را نشان میدهد و شما هم در همین چارچوب به آن توجه کنید.

اگر از من بپرسند در یک جمله کوتاه و یا یک دقیقه نقش تحول بخش منصور حکمت در جامعه کردستان چه بوده است؟ در جواب

احتمالی که در مقابل این حکم ارائه میشود، جواب بدهم. شاید گفته شود، چپ‌گرایی و چپ اجتماعی در کردستان قبل از منصور حکمت هم وجود داشت. این درست است، اما تمام مسئله تفاوت بین چپ اجتماعی و کمونیسم اجتماعی است. چپ‌گرایی و چپ اجتماعی جامعه کردستان قبل از منصور حکمت با مارکسیسم و کمونیسم فاصله عمیقی داشت، درست همانند کل پوپولیسم و چپ سنتی در سراسر ایران. در سالهای ۵۷، ۵۸، و ۵۹ در بجهوجه انقلاب وقتی که در افق و استراتژی، سیاست و تاکتیک، اولویتها و مشغله‌ها و در سنت و روش این چپ و سازمان مربوط آن، کومله در کردستان خیره میشوی، صرفنظر از نیتها و تعلق خاطرها، محلی‌گری، و طرحهای ۸ ماده و ۲۶ ماده خلق کرد و هیئت نمایندگی و مذاکرات و ایده‌آلیزه کردن خودمختاری با پسوند "دمکراتیک و وسیع" نه به عنوان عرصه‌های سیاسی و تاکتیکی، بلکه به عنوان هم و غم و کل فلسفه تحریک سیاسی آن را شکل میداد. مبارزه نظامی و کیش اسلحه محور پراتیک سیاسی بود. در یک کلام سازمان چپی که سیاستها، ابزارها و روشها و سنتهای اعتراضی آن زمان حاکم جنبش ملی را غیر انتقادی تحویل گرفته و حداکثر در مواردی برای نشان دادن تفاوت سازمانی خود با حزب دمکرات اصلاحاتی را وارد میکرد. ما این را داشتیم. فضای چپ جامعه گردش به چپ را از آن می‌بلید. کنگره دوم کومله در فروردین ۱۳۶۰ در جواب به این نیاز و تحت تاثیر اتحاد مبارزان کمونیست برگزار شد. کنگره دوم کومله با الهام از مارکسیسم انقلابی بر گردش به چپ کومله مهر خود را کوید. این تلاشی چپ بود برای رجوع به سوسیالیسم و افق و سیاست و پراتیک سوسیالیستی، اما در این گردش به چپ بیماری مزمن و تاریخی و سابقه دار چپ موجود سر بلند کرد. کنگره دوم با استناد به قطعنامه‌هایش میخواست سوسیالیست و چپ باشد اما با استنتاجات سطحی از نقد پوپولیسم و پاسیفیسم در برخورد به جنبش جاری مردم و

مهمتر در برخورد به یکی از گرهی‌ترین مسائل آن جامعه، جنبش ملی و راه حل برای رفع ستم ملی‌شانه بالاندازی کرده بود. حل مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت را به سوسیالیسم موکول کرده بود. به این ترتیب غیر دخالتگری و راه حاشیه‌ای شدن را جلو کشیده بود. تناقض ساختگی چپ سنتی "کمونیست و اصولی و اما حاشیه‌ای و غیر دخالتگر" در مقابل کومله قد علم کرده بود. درست در این مقطع و در جواب به این معضل منصور حکمت با کلامش وارد میشود و به داد جنبش چپ و سازمان مربوطه‌اش میرسد. این اتفاق به لحاظ عملی به این شکل بود که در اولین دیدار نمایندگان رهبری کومله با رهبری اتحاد مبارزان در تهران، در صحبت‌هایی که بر روی نوار ضبط شده بود، منصور حکمت گفته بود، "کنگره شما چپ است... اما با استنتاجات و فرمولبندیهای سطحی نادقیق از نقد پوپولیسم و با حواله دادن رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت به سوسیالیسم راه مسیر غیر دخالتگری و حاشیه‌ای شدن را طی میکنید" این نوار و نوشته همراه آن راه نجات کومله از برزخ آن دوره را نشان داد و به همین دلیل رهبری کومله به فوریت کنفرانش ششم کومله را فراخوان داد و جهت‌گیری کنگره‌اش را تدقیق نمود. از آن دوران نادر (منصور حکمت) اتوریته سیاسی و معنوی جنبش چپ و سازمان کومله در کردستان شد. نکته مهم این بود. دگرگون کردن فضای سیاسی کردستان میبایست در عین سنگربندی علیه جمهوری اسلامی، جنبش ملی سابقه دار را که جامعه و حتی چپ آن بسیاری از الگوها و سنتها و حتی باورهایش را غیر انتقادی تحویل گرفته و در سیستم خود هضم کرده بود، به حاشیه براند، نقد کند و آن را از سر راه بردارد. چنین کاری در افتادن مارکسیست عمیق و تیز بین و با جسارتی چون منصور حکمت را میخواست، بگذارید به چند محور مهم اشاره کنم. - پروسه تدوین برنامه مشترک تا تصویب آن به عنوان برنامه حزب کمونیست ایران، تلاشی برای به اهتزاز در آوردن پرچم جنبش طبقاتی کارگر و

کنار زدن فشار جنبش ملی و همگانی و خنثی کردن مقاومت‌هایی بود که در برابر آن شکل گرفت. ناسیونالیسم کرد از بیرون و درون و شخصیت‌هایش تماماً تلاش کردند تا جناح چپ‌شان را از دست ندهند. "کومه‌له کردستانی باقی بماند". کنگره سوم کومله میدان این زور آزمایی بود. خیل سران ریز و درشت ناسیونالیسم کرد از جمله عزالدین حسینی، جلال طالبانی، نمایندگان سازمانهای ناسیونالیست دیگر از کردستان ترکیه و عراق در آنجا یکی پس از دیگری سخن گفتند و تلاش کردند تا از تصویب برنامه کمونیستی و از پیوستن کومه‌له به جنبش سراسری و جنبش طبقه کارگر جلوگیری کنند. شاهدان آن کنگره و خود من به عنوان یکی از حاضرین در آن، هیچوقت این صحنه یادم نمیرود که چطور نادر (منصور حکمت) پشت تریبون رفت و نه فقط به عنوان ایدئولوژی که صرفاً جزمی اصولش را تکرار میکند، بلکه به عنوان سیاستمداری کمونیست در عین حفظ اصولیت و پرنسیب کمونیستی نیاز زمانه را تشخیص داد و با راه حل روشن مخالفتش را خلع سلاح کرد. آنزمان که گفت "این کنگره دو جهت‌گیری باید داشته باشد، اول به طرف جنبش سراسری طبقه کارگر و تصویب برنامه کمونیستی و دوم رو به جامعه کردستان و ارائه راه حل قطعی رفع ستم ملی و اداره امور انقلابی در مناطق آزاد کردستان"، سیاست عملی‌ای را پیشنهاد کرد، که سران ناسیونالیست به موضع دفاعی افتادند. در نتیجه منصور حکمت نقطه اتکا رهبری کومه‌له و کنگره شد تا برنامه حزب کمونیست را بدون واهمه تصویب کنند. - در افتادن با گیج سربهای بورژوازی نفی موجودیت طبقه کارگر و بعد سمینار شمال که در مناطق آزاد حومه بوکان برگزار شد، در افتادن با مذهب و خرافات ملی و ناسیونالیستی و در افتادن با افکار و آرای ارتجاعی که زن و مرد را برابر محسوب نمیکرد و بازمانده آن در همان سازمان چپ. یادم است آنزمان که عده‌ای مقاومت میکردند و میگفتند بیان اینها